تفکیک جایگاه احترام مال مسلمان و مبنای استناد در ضمان

شاگرد۳: حکم به ضمان، ممکن است برای تشریع مراحل مختلفی را بگذراند. یک استناد در جایی است که می‌خواهیم بگوییم در نهایت این بر عهده تو است و یک جا شئون دیگری است. مال مسلم محترم است و حالا از بین رفت؛ بگوییم کسی ضامن نیست و توقف می‌کنیم ببینیم مقصر هست یا نیست؟ یک سری احکام برای مدیریت داریم، ولی در فضای فقه و حقوق باید ببینیم مالکش چیست.

استاد: حالا به احترام مال برگردیم. شما می‌فرمایید چون مال و نفس محترم است، پس این، اصل است. بعدش باید بگردیم اگر تقصیرکار پیدا شد، یقه او را می‌گیریم. اگر تقصیرکار پیدا نشد، می‌گوییم مال محترم است و همین که صدور و ایجاد خطر شده کافی است!

ببینید؛ اولاً، اگر اصل بر این است که مال و نفس محترم است، پس وقتی مقصری پیدا نشد، در جایی هم که موجِد نیست و تلف سماوی است، خب شارع از بیت‌المال بدهد. چرا ندهد؟! شما مواردی مثل مقتولی که قاتلش معلوم نیست را دارید؛ مثل «قتیل زحام یوم الجمعه»؛ روز جمعه زحام شده و کشته شد، دیه او را از کجا می‌دهید؟ از بیت‌المال. چرا؟ چون نفس محترم است. اگر واقعاً اصل این است که مال و نفس محترم است، مثل بیمه‌های امروز می‌شود؛ اگر رعد و برق هم در یک جایی زد و مال مسلمانی تلف شد، چون مال او محترم است باید از بیت‌المال بدهیم. بیمه حوادث چکار می‌کند؟ شما می‌توانید بیمه رعد و برق داشته باشید؛ می‌گوییم رعد و برق زد، تو بیا خسارت را بده. اگر در شرع، این یک اصل است که بعداً باید با استثناء از آن خارج شویم، پس هر کجا یک مال و نفسی تلف شد، باید در شرع، اصل این باشد که جبران بشود. اصل بر این است که باید از بیت‌المال بدهیم. و حال آنکه در فقه، ما چنین چیزی نداریم. این همه تلف‌های جورواجوری که صورت می‌گیرد، این جور نیست که بگوییم اصل بر این است که مال محترم است.

شاگرد۳: اگر این را به دست عرف بدهیم، کسی که ماشینش به وسیله رعد و برق از بین رفت، یک نوع هتک حرمتی نسبت به او شده؟ وقتی یک شخصی این کار را انجام می‌دهد -یا با تقصیری غیر آن به صرف اینکه انجام داده- می‌گوییم اگر پرداخت نشود یک نوع منافرتی با احترام دارد.

استاد: خب در «قتیل زحام»، همه نمازگزار هستند، آیا می‌خواستها‌ند هتک احترام این مقتول را بکنند؟

شاگرد۳: اگر می‌خواستند که در همان صدور می‌رود. وقتی یک عده‌ای هستند، با تلف سماوی تفاوت دارد که موضوعاً از بحث خارج است. در اینجا چه یک نفر خطا کند یا یک عده‌ای باشند.

استاد: نه، از بحث خارج نیست. چون قرار شد مال، نزد شارع محترم باشد. باید با دقت جلو برویم. شما می‌گویید شارع از این احترام مال دستبردار نیست و مال محترم، نمی‌شود همینطور به هوا برود. پس بیا از بیت‌المال بده!

شاگرد۳: محدوده دارد که باید تناسبات حکم و موضوع لحاظ شود.

استاد: میزان این محدوده چیست؟! پس اصل، صرف احترام نشد. یعنی ما می‌خواهیم گام به گام جلو برویم. اگر اصل این است که احترام است و خلاص، خب باید از بیت‌المال بدهند. اگر می‌گویید محدوده دارد، محدوده را باید معین کنید. همان محدوده، یک جور تنقیح مناط است. یعنی شما دارید یک مناط حقوقی به دست می‌دهید که آن احترام، باز یک قیدی دارد. صرف احترام نیست که شارع بگوید چون محترم است.... من مثال‌ها را جلوتر می‌برم. هر چه در این فضا مثال‌ها را زیاد کنید برای مقصود ما نافع‌تر است.

بازبینی #2
ایجاد شده 21 اوت 2025 14:13:37 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 اوت 2025 14:34:11 توسط ... .